



بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين إله خير ناصر ومعين الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وعلي وآلهما الطيبين الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين أبد الآبدين

قال الله العلي العظيم في كتابه العلي الحكيم: وَكَثَّرَ الْمُؤْمِنِينَ يَا أَيُّهَا اللَّهُ فَضْلاً كَبِيراً

مبانی دینی و احکام نجومی اوقات استجابت دعاء (۲)

دلائل حکمی و شرایط نجومی

زمان روآشدن حاجت

بیان شواهد از کلمات و تألیفات فقهاء دین و کتب اسلامی

طرح و برنامه ریزی پژوهشی و مدیریت و اشرف علی: داسر المعارف الإلهیة

تهیه و تدوین مبانی دینی: پژوهشگر علوم کلام حازمان وحی بنیاد حیات اعلی

تهیه مبانی نجومی و استخراج: پژوهشگر علوم نجوم و تجویم بنیاد حیات اعلی



بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين إله خير ناصر ومعين الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وعلي وآلهما الطيبين الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين أبدأ بالآيتين

قال العلي الحكيم وصي النبي الكريم: من اقتبس علما من علوم النجوم من حملة القرآن إزداد به إيمانا ويقينا

افق مبناي مرسولات نجومی: ساعت جهانی KMT مکه مکرمه کعبه مشرفه

هفته نامه

راه آسمان

آموزش و تبیین مباحث تقویم و نجوم و تحجیم اسلامی

طرح و برنامه ریزی پژوهشی و مدیریت و اشرف علمی: داور المعارف الإلهیة

ارائه و نشر: پژوهشگده علوم نجوم و تقویم و تحجیم بنیاد حیات اعلی

هفته نامه راه آسمان شماره: ۳۵۸

۸ صفر ۱۴۳۵ = ۲۱ آذر ۱۳۹۲ = ۱۲ دسامبر ۲۰۱۳

دلائل فلکی و اوقات و شرایط خاص نجومی استیانت دعاء

❖ در درسهایی نجوم و تنجیم کهن و اسلامی (راه آسمان) قبلا این معنا بیان و تشریح شد که: خداوند قادر متعال؛ و حکیم لطیف بر عباد؛ آسمان بالای سر ما را؛ همچون ساعت عظیم و وسیع و دقیقی برافراشته، که تفکر و تدبّر در نشانه های آن؛ و تتبع و پیجویی تغییرات آن؛ می تواند راهنمای خوبی برای تشخیص اوقات مناسب و نامناسب هر امری بوده، تا آدمی حسن انجام امور خویش را با آن تدبیر نماید، و ضمن ایمنی بیشتر از آفات؛ از توفیقات بهتری در شؤون خود نیز بهره مند شود، بإذن الله تعالی.

❖ تشخیص اوقات روز و گذر ایام ماه و تحویل بروج و تغییر فصول؛ ابتدائی ترین کاربرد بشر با ملاحظه این ساعت آسمانی است، اما همه آنچه از این ساعت بسیار پیچیده و بزرگ بر می آید؛ در این کاربردهای ساده (که دانش آن امروزه برای کودکان و نوجوانان نیز میسر است) خلاصه نمی شود، بلکه در این منظر از چرخ گردون؛ برای همه نیازهای انسانی (با جزئی ترین کاربردهایش) دلالتهایی فراوانی وجود دارد؛ که تشخیص اوقات مناسب و نامناسب برای هر يك را می تواند به ما بنمایاند.

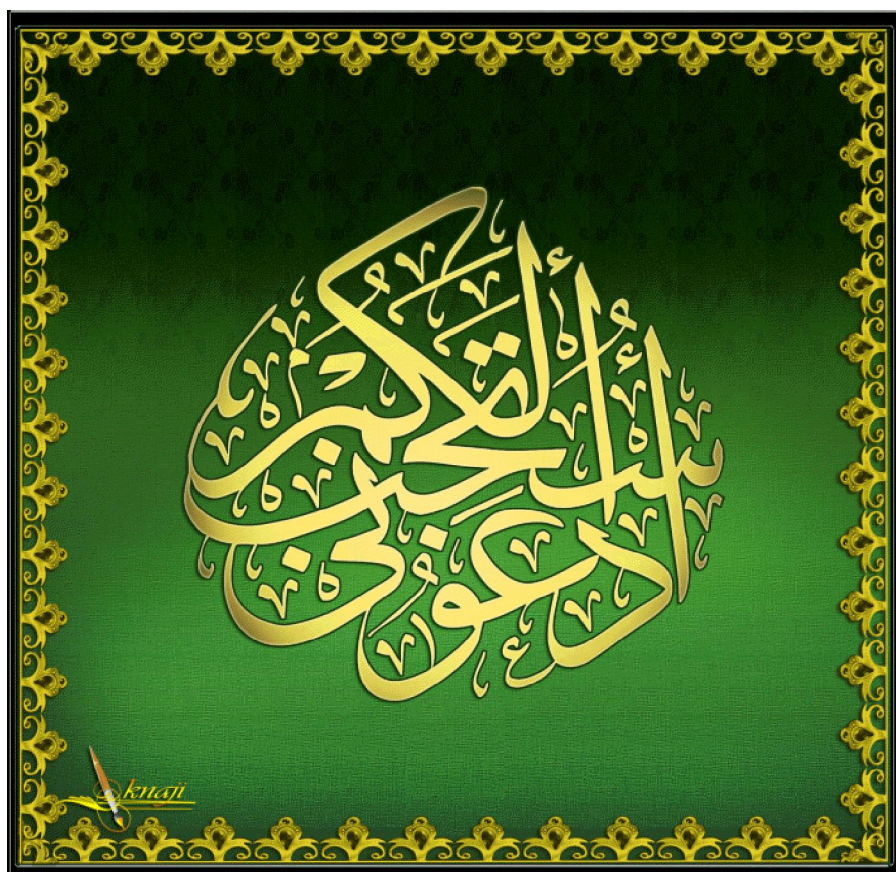
❖ البته برای دسترسی به این نتایج و کاربردها؛ به دانش دقیق و وسیع در علوم تقویم و نجوم و تنجیم کهن و اسلامی نیازمندیم، این علوم میراث انبیاء و اوصیاء الهی ﷺ است؛ که طی نسلهای بشری در میان امم مختلفه منتشر و

توسعه یافته است، آیه مبارکه قرآنی "فَنَظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ" گزارشی نمونه؛ از کاربرد این علم؛ توسط شخصیت بزرگی همچون حضرت ابراهیم خلیل الله ﷺ است، در زمانی که از وی دعوتی برای وقتی کردند؛ و او با نگاه به آسمان گفت: من آن هنگام بیمارم! و از قبول دعوت عذر خواست! ازین روست که حضرات معصومین علیهم السلام برای تشخیص اوقات مهم؛ راههای آنرا به خواص خویش تعلیم فرموده، و برای عموم مردم هم اشاراتی در کلماتشان می گذارده اند.



❖ این رساله شریفه موضوع آن بیان اوقات مناسب و نامناسب دعاء (حاجت خواستن)؛ و هنگام استجابت؛ یا نقض و ضد آن (معکوس شدن دعاء) می باشد، از مبحث "اوقات قابل تشخیص برای همگان با دانش عمومی" فارغ شده ایم، و به مبحث "اوقات خاصی که تشخیص آن جز با دانشهای تخصصی (تقویم و نجوم و تنجیم کهن و اسلامی) میسر نیست" رسیده ایم.

❖ در منابع دینی (فقه و حدیث و معارف الهی) شواهد متعددی بر ارتباط اوقات فلکی خاص با موضوع استجابت دعا ذکر شده، و از میان انواع وضعیتهای فلکی (کواکب و نجوم) به شواهد ارتباط احوال کواکب به موضوع استجابت دعاء اشاره نموده اند، ما در اینجا شواهد مربوط به ارتباط احوال نجوم مانند ستاره حاجت یاب (کف الخضیب) در صورت فلکی دعاء (ایدی ثریا یا ناقة یا ذات الكرسي) را (که خود تفصیل مستقلى نیاز دارد) در فصل مخصوص به آن بعداً می آوریم. اما بقیه آن شواهد (که درباره ارتباط وضعیتهای فلکی کواکب با استجابت دعاست) را در اینجا نقل می کنیم:



👉 نقل کلامی را که در اینجا می آوریم حاکی از این امر است که: اوصاف اوقات
فلکی نقل شده در کتب قدماء مستند آن "تجربه اهل ذکر و دعاء و یا میراث
انبیاء الهی ﷺ" گذشته است:

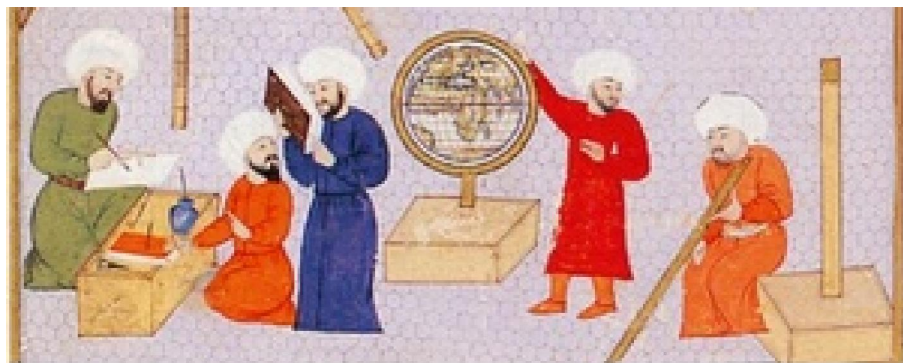
علامه سید عبد الله جزائری در کتاب التحفة السنية صفحة ۱۴۶ (مخطوط)
پس از نقل حدیث شریف "وقت کف الخضیب" گفته است:

وإن من الأوقات التي لا يرد فيها الدعاء البتة إلا ما كان مخالفا للشرعة،
(ترجمه) و همانا از اوقاتی که دعاء در آن رد نمی شود البته؛ این اوقات است؛
مگر اینکه دعای نامشروع و حاجت غیر شرعی باشد،....

(سپس هنگامهای مناسب استجاب دعا را برای انواع حاجات ذکر نموده، و از
جناب شهیدین رحمتهما الله (شهید اول و شهید ثانی) توصیفی فلکی را برای هنگام
استجاب دعا نقل کرده، و سپس می گوید:

وهذه أمور يسندون بعضها إلى التجربة وبعضها إلى الأنبياء السالفين صلوات
الله عليهم (أجمعين)،

(ترجمه) و اینها (اوقات فلکی استجاب دعا) اموری است که بعضی- از آنها را
به تجربه اهل ذکر و دعاء نسبت می دهند، و برخی را به میراث انبیاء الهی ﷺ.



🌸 علامه مجلسي در كتاب شريف بحار الأنوار ج ۹۰ ص ۳۴۸ آورده است كه: و
 دیدم در مجموعه (خطي) كه به خط برخي از افاضل بود، و ظاهرا مطالب آنرا
 نقل کرده بود از: مجموعه (خطي) كه همه نوشته هاي آن بخط شيخ شمس الدين
 محمد جباعي (جد شيخ ما شيخ بهائي)، و او آنها را نقل کرده بود از خط جناب
 شهيد (اَوَّل) (قدس الله ارواحهم الشريفة)، و اين مطالب را شيخ كفعمي هم در
 كتاب بلد الأمين آورده است: ... مطلبي را در اوقات و شرايط استجابت دعاء
 نقل مي كند ... از جمله:

إِنَّ الدَّعَاءَ عِنْدَ اقْتِرَانِ الْمُشْتَرِي وَرَأْسِ الذَّنْبِ (الرَّأْسِ)، (توضيح ناقل) و إِنْهُ عِنْدَ
 كُلِّ أَرْبَعِ عَشْرَ سَنَةٍ مَرَّةً.

(ترجمه) همانا (وقت خاص اجابت) دعاء نزد اقتران مشتري و (نقطه فلكي)
 رأس مي باشد. و اين موقعيت زماني هر چهارده سال يكبار رخ مي دهد. (درباره
 تخمين اين زمان؛ بعدا توضيحي مي آيد).



🌸 همچنین علامه سید عبد الله جزائري در همان کتاب آورده است که:
وذكروا أنه يجعل القمر في القوس والحوث ناظرا إلى الزهرة للدعاء للجنة والمغفرة،
فإن كان للرزق والمقاصد الدنيوية فليكن في الثور ناظرا إلى المشتري، وللجاء
وقوة الحال الشمس في الحمل والقمر في الأسد أو بالعكس أو القمر في السرطان
والمشتري في الثور أو بالعكس، وأحمدَها على الاطلاق إذا كان المشتري في شرفه
أو بيته؛ وبينه وبين القمر في شرفه أو شرف زحل (اتصال).

(ترجمه) و (منجمان) ذکر کرده اند که برای دعاء جهت خواستن بهشت و
آمرزش؛ اختیار وقت را طوري قرار مي دهند که قمر در برج قوس و یا برج
حوت قرار گرفته؛ و ناظر به زهرة باشد.

و اگر خواسته شخص و دعای او برای رزق و مقاصد دنیوی است؛ پس ملاحظه
کند وقتی که قمر در برج ثور بوده؛ و ناظر به مشتری است، و برای طلب
موقعيتها و مناصب دنیوی و قوت حال؛ شمس در حمل و قمر در برج آسد، و یا
بالعکس (شمس در برج آسد بوده و قمر در برج حمل)، و یا اینکه قمر در برج
سرطان بوده و مشتری در برج ثور؛ و یا بالعکس (قمر در برج ثور و مشتری در
برج سرطان) باشد.

و ستوده ترین این اوقات وقتی است که مشتری در برج شرف خود (برج
سرطان) یا برج خانه خود (برج قوس یا برج حوت) بوده، و قمر در برج شرف
خود (برج ثور) یا در برج شرف زحل (برج میزان) باشد؛ و بین اینها (مشتری و
قمر) اتصالی برقرار باشد.



همچنین علامه سید عبد الله جزائري در همان کتاب آورده است که:

وعن الشَّهيدان رحمهُما: من الأوقات المختارة للدعاء حال مقارنة المشتري للرأس، وذلك في كل أربع عشرة سنة تقريبا، وفيه: أن من المقرر في فنه أن المشتري يتم الدورة على توالي البروج في اثنتي عشرة سنة كل برج سنة والرأس بسيره المعكوس في تسع عشرة سنة كل برج في تسعة عشر شهرا، واللازم من ذلك حصول المقارنة بينهما في كل سبع سنين وأربعة أشهر تقريبا؛ كما لا يخفى.

(ترجمه) از جناب شهیدین (شهید اول و شهید ثانی رحمهُما) رسیده است که:

از اوقات برگزیده برای دعاء؛ زمان مقارنه مشتري با (نقطه فلكي) رأس است. (توضیح ناقل) و این موقعیت زمانی در هر تقریبا چهارده سال؛ یکبار رخ می دهد.

(در اینجا علامه جزائري در محاسبه ناقل برای رخداد این وقت اشکال می کند و مقدار مزبور را تصحیح می نماید):

و (همچنانکه بر متخصصین نجوم مخفی نیست) در این تخمین زمان اشکالي وارد است: چه اینکه از امور مسلمه در علم نجوم این است که: مشتري سير خود در بروج را طی ۱۲ سال تمام می کند؛ که می شود هر برجی را در یکسال، و (نقطه فلكي) رأس که با سير معکوشش (بر عکس سير کواکب) بروج را در ۱۹ سال طی می کند؛ که هر برج را در ۱۹ ماه، و لازمه این دو سير و مدت و سرعت؛ این است که مقارنه بین این دو (مشتري و رأس) در هر هفت سال و چهار ماه تقریبا رخ دهد.

توضیح: اشکال علامه جزائري بر تخمین مزبور وارد بوده، و نتیجه محاسبه تصحیحی ایشان با نتیجه دقیقترین نرم افزارهای نجومی امروزی موافق است.

❦ علامه شمس الدین آملی از علمای شیعه قرن هشتم هجری (که احوالاتش را شهید قاضی نور الله شوشتری رحمته الله در مجالس المؤمنین آورده است) در فصل دوم از فن نهم (علم دعوات) از کتاب نفایس الفنون فی عرایس العیون، به بیان شمه ای از احکام نجومی اوقات استجابت دعاء از اهل اسلام و سایر ادیان پرداخته است: بدانکه در اجابت ادعیه؛ اوقات و ازمه را مدخلی هر چه تمامتر است، و هر قومی وقتی اختیار کرده اند، ... سپس وی احکام نجومی نزد علمای اسلام را از ابوالحسن بیهقی و یعقوب بن اسحاق کندی نقل می کند، از آنجا که علامه بیهقی در نظر برخی؛ از علمای شیعه محسوب می گردد، نقل کلام او را مستقلاً می آوریم، و در اینجا تنها به نقل او از اقوال دیگر منجمین اسلامی می پردازیم:

و یعقوب بن اسحاق کندی آورده است که: در وقت دعا کردن سعدی در طالع باشد و سعدی دیگر در رابع، و قومی دیگر گفته اند: باید که سعدی در عاشرو دیگری در رابع؛ و باید که آن دو سعد مشرقی باشند؛ و از نحوس بری؛ و محترق و راجع نباشند، و بعضی گفته اند که: دعا اگر از برای آخرت کنند؛ باید که ماه در خانه های زهره باشد و متصل به مشتری، و اگر از برای دنیا کنند؛ باید که ماه در خانه های مشتری باشد و متصل به زهره، و اگر از برای طلب ضیاع و عقار (املاک) بود؛ باید که متصل به زحل باشد، و اگر از برای طلب علم کنند؛ باید که به عطارد متصل باشد، و بعضی گفته اند: هر وقت عطارد با مریخ مقارن کف الخضیب باشد؛ آنوقت اجابت بود. ... سپس علامه شمس الدین آملی (پس از فراغت از بیان دلائل فلکی اوقات استجابت دعاء) به شرح اوقات استجابت دعاء که در منابع دینی آمده است می پردازد.

📖 علامه بجرانی در کتاب "الکشکول" (طبق نسخه تصحیح شده مرکز نجوم) آورده است:

فائدة: ذکر یعقوب بن اسحاق فی رساله مقصورة علی اوقات الدعاء: انّ القمر اذا قارن کف الخضیب کان وقتاً للدعاء فی صلاح البدن، وإن قارنه عطارد کان وقتاً للدعاء للعلوم، وإن قارنه مریخ کان وقتاً للدعاء فی الشجاعة وقود العساكر، وإن قارنه الشمس کان وقتاً للدعاء بالغناء والثروة والرئاسة، ویستجاب له فی وسط عمره، وإن قارنه زحل مسعوداً؛ أسعد الداعي من وسط عمره الی آخره، وإن کان منحوساً؛ افتقر وضعف، (وذلك ان من الأدعية ما ینعکس علی داعیه؛ فیصیر الی ضد ما یرتجیه)، قال یعقوب: إن قارن کف الخضیب المشتري ینصر۔ الداعي علی ظالمه، وإن قارنته الزهرة؛ اجیبت دعوته فی المال وقلّ عمره، وإن قارنه المریخ؛ کان الداعي وقت دعائه ظالماً علی من یدعو علیه وحرّم الاجابة.

(ترجمه) یعقوب بن اسحاق در "رساله ای مخصوص به اوقات دعاء" ذکر کرده است که: همانا قمر هرگاه با کف الخضیب قِران کند؛ وقت دعا برای صلاح (سلامتی و قوت) بدن است، و اگر عطارد مقارن آن شود وقت دعا برای بدست آوردن و موفقیت در علوم مختلف است، و اگر مریخ با آن مقارنه کند؛ وقت دعای برای تحصیل شجاعت و جنگاوری و امور فرماندهی قشون است، و اگر شمس مقارن آن شود؛ وقت دعاء برای توانگری و ثروت و ریاست است، و اگر دعا در وقتی باشد که مقارنه شمس با کف الخضیب است این دعاء در وسط عمرش برای او مستجاب می شود، و اگر وقت دعاء زحل در حالیکه مسعود است مقارن آن (کف الخضیب) شود دعا کننده از وسط عمرش تا آخر آن سعادت می یابد، و اگر (زحل) منحوس باشد، (دعا کننده) فقیر و ضعیف می

شود، و آن (بدان خاطر است) که از ادعیه هست که بر عکس می شود برای دعا کننده اش، پس (برای دعا کننده) خلاف آنچه که امیدش را دارد واقع می شود، یعقوب گفت: اگر مشتری با کف الخضیب مقارن شود (و کسی دعا بر علیه ظالمی بکند) دعا کننده بر ظالمش نصرت می یابد، و اگر زهره مقارن آن شود؛ دعایش در مال مستجاب می شود و عمرش کاهش می یابد، و اگر مریخ مقارن آن شود، (و دعا بر علیه کسی باشد) دعا کننده (در وقت دعایش بر آنکه دعا علیه او می کند) ظالم است و از اجابت محروم می شود (چه اینکه طبیعت افراط و حرارت مریخ؛ سبب افراط در نتیجه نفرین و ظلم می شود).

تذکر: در متن علامه آملي صاحب نفائس (که قبلا نقل شد) و نیز حکیم مغربي و متن علامه کاشفي (که بعدا نقل می شود) شواهدی است که حکایت دارد از اینکه حصول آن نتایج در دعاها؛ با قران هر کوکب (به تنهایی) با کف الخضیب کافی نبوده و آنچه در برخی از نقلها آمده راجع به اقتران کواکب به تنهایی با کف الخضیب (مثل مریخ)؛ ناشی از عدم دسترسی ناسخان یا مؤلفان به نسخه های کامل و معتبر می باشد، و این احتمال بعید نیست، چه اینکه کلام شخصیتی مانند حکیم مغربي (که دستیار خواجه نصیر طوسی در رصدخانه مراغه بوده، و بخاطر موقعیت علمی و بهره مندی از امکانات وسیع مادی و پشتیبانی سلطنتی در تحقیق علمی و رصدی؛ و لزوم اعتبار دقت محاسبات و احکام مستخرجه چنین مراکز نجومی ناموری؛ نوشتجات مانند ایشان از اتقان و دقت خاصی برخوردار بوده، و با نقلهای عموم علماء در کتب غیر حرفه ای؛ یا نسخ موجود در کتابخانه های عمومی؛ قابل مقایسه نمی باشد.

🔖 **توضیح:** یعقوب بن اسحاق کندی معروف به فیلسوف عرب از نوابغ روزگار بوده است، بزرگان بسیاری از دنیای غرب مانند جیرولاموکاردانو ایتالیائی و مستشرق فرانسوی Cara de Vaux او را از دوازده نابغه ای که در تاریخ جهان بشریت ظاهر شده؛ شمرده اند، در علوم بسیاری سرآمد بوده؛ از جمله آنها منطق و فلسفه و هندسه و حساب و ارثماتیکی و اعداد و موسیقی و الحان و طب و نجوم و تنجیم در آنها تالیفات بسیاری دارد، که دویست و پنجاه و دو رساله از وی ثبت شده است، نظریات و ابتکارات علمی ویژه ای در علوم مختلف مطرح نموده است، او از اولین فرستادگان مأمون عباسی به سرزمین روم برای فراگرفتن زبان و خرید کتب مفیدشان بوده است، و او را مشرف و سرپرست بیت الحکمة (مؤسسه علوم) قرار داد، در نزد خلفای عباسی جایگاه مهمی داشته، تا اینکه در زمان متوکل ملعون بخاطر تشیع کندی مبعوض واقع گردیده و مورد شکنجه قرار می گیرد، در اثر مطالعاتش در کتب رومیان به شبهاتی در عقیده مبتلا شده و کتابی حاوی آن شبهات می نویسد، وقتی گزارش او توسط یکی از شاگردانش به حضرت امام حسن عسکری علیه السلام می رسد، جمله ای به وی یاد می دهند که او را به اشتباهش متوجه کند و او می فهمد که این کلام از شاگردش نیست و با پی جویی به حضرتش دلالت یافته و سرانجام او هدایت می یابد و کتاب منحرف خود را می سوزاند و عقاید صحیح و تفسیر از حضرتش فرا می گیرد، علامه ابن شهر آشوب در کتاب مناقب آل أبي طالب (ج ۲ ص ۵۲۶) و علامه مجلسی در بحار الانوار (ج ۵۰ ص ۳۱۱) و علامه محسن امین نیز در کتاب اعیان الشیعة (ج ۱۰ ص ۳۰۸) شرح ارتباط وی با خاندان نبوت صلی الله علیه و آله و هدایتش را نقل کرده اند، شیخ کلینی در کتاب الکافی (ج ۱ ص ۹۵)

و شیخ صدوق در کتاب ثواب الأعمال (ص ۱۱۴) برخی از مکاتبات کندی با حضرت امام عسکری علیه السلام در مسائل توحیدی را نقل کرده اند، و علامه فیض کاشانی در کتاب الوافی (ج ۱ ص ۱۷۷) تأکید می نماید که مقصود از صاحب نامه یعقوب بن اسحاق کندی فیلسوف است. سید بن طاووس و صاحب الذریعه و نیز صاحب اعیان الشیعه او را از فضلاء شیعه ذکر کرده اند، سید بن طاووس گفته است که از تصانیف او در نجوم يك رساله در پنج جزء به ما رسیده است، سید بن طاووس در کتاب تشریف المنن ص ۳۷۱ طالع حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله با تحلیل آنرا از وی نقل می کند، کندی بخاطر عقیده و ارتباط پنهانش با بیت امامت؛ سرانجام توسط معتمد عباسی در سال ۲۶۰ هـ ق مسموم گردیده و از دنیا رفت. منابعی که از عقیده صحیح فاصله داشته اند؛ و از تشیع و او ناراحت بوده اند؛ غالباً او را در عقیده به نیکی یاد نمی کنند، و مدام آن مقطع زمانی ابتلای به شبهات فکریش را در احوالاتش به عنوان عقیده او می آورند، با شناخت صحیح از احوال او هم تکریم شایسته از این دانشمند شیعی شده، و هم نوعی مهر تأیید بر تألیف او در احکام نجومی استجابت دعاء می باشد، چه اینکه شخصی مثل او بعد از هدایت و ارتباطات با حضرت معصوم علیه السلام و عرضه نمودن افکار و نظرات خود جهت شناخت سره و ناسره آنها؛ و نیز پرسش مسائل اعتقادی خویش از امام زمان خویش؛ حتما موضوع استجابت دعاء که تماماً و صرفاً دینی؛ بلکه در رأس این مباحث است را نزد حضرتش عرضه نموده؛ و تا تأیید نگرفته نقل ننموده است، فلذا افزون بر اهمیت نقل او به عنوان يك دانشمند شیعی؛ بخاطر این جهت که با ناحیه مقدسه حضرت ولایت مرتبط بوده است؛ محتوای این رساله او برخوردار از نوعی تأیید می باشد.

🌟 بجز آنچه در خلال نقلها از کندی آمده است، وی این موارد را نیز در شرایط فلکی استجابت دعاء نقل می کند:

و ذهب منهم قوم الا ان يجعلوا احدهما (السعدان) في الحادي عشر والاخر في الرابع للتسعيد والعاقبة.... و يكون القمر مسعودا بهما مواصلا لهما من موضع يقبلانه.

و إن كان لطلب الملك و العقار (المساكن والعقارب) فليكن ذلك والقمر متصلا بالزحل من موضع يقبل القمر و ان يكون السعدان احد المواضع الذي ذكرناه. و إن كان في طلب النقل و الحركة، فليكن ذلك والقمر في موضع محمود مسعود.

(ترجمه) و قومی از ایشان (منجمان) بر این رفته اند که یکی از آن دو سعد (مشتري، زهره) در حادی عشر (بیت یازدهم) باشد و سعد دیگر در رابع (بیت چهارم) باشد برای مسعود کردن وقت (سعادت بیت ۱۱) و برای عاقبت (صلاح عاقبت حاجت مربوط به بیت ۴).... و قمر مسعود باشد به آن دو و متصل باشد به آن دو از موضعی که قمر را قبول کنند.

و اگر (حاجت) برای طلب ملک و مسکن و زمین باشد پس باید قمر متصل به زحل باشد از موضعی که قمر قبول شود و دو سعد (مشتري و زهره) در یکی از مواضعی که ذکر کردیم باشند (طالع و رابع، یا طالع و عاشر، یا عاشر و رابع، یا تاسع و رابع، یا حادی عشر و رابع).

و اگر برای طلب نقل (انتقال و اثاث کثی) و حرکت باشد پس باید قمر در موضع پسندیده (موضع قوت) و مسعود باشد (متصل به یکی از سعد).

بنابر نقل علامه بحرانی در کتاب "الکشکول"؛ علامه سید علی خان مدنی صدر شیرازی شارح صحیفه سجادیه بعد از ذکر دلایل فلكی اوقات استجابت دعا گفته است:

و هذا لا استبعاد فيه، فقد ذهب طائفة كثيرون من الأوائل والأواخر الى أنه اذا استعين في الأدعية بأشكال من الكواكب في اوقات مسعودة كانت مرجوة، و كما يستعان فيها بتجريد الفكر و تصحيح النية و البروز في الجماعات الى الصحراء و غير ذلك. والله اعلم.

(ترجمه) و در این (تعیین اوقات استجابت دعا با دلایل فلكی) استبعادی وجود ندارد، پس همانا طائفه بسیاری از علمای اوائل و اواخر به این نظر بوده اند که "اگر در دعاها به اشکال (وضعیتهاي فلكی) کواکب در (تعیین) اوقات خجسته آنها استعانت جسته شود، سبب امیدواری در موفقیت این دعاهاست، و همچنانکه (برای موفقیت دعاها) به (جهات دیگری همچون) تجرید فکر؛ و تصحیح نیت؛ و بیرون آمدن با جمعیتها به بیابان؛ و غیر اینها استعانت جسته می شود. و خداوند داناست.

وَقَالَ رَبُّكَ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ

Designed By: Muslim-Des - Islamic Art www.startimes.com
ALL RIGHT IS RESERVED

علامه ابوالحسن علي بن زید بیهقي (ابن فندق) از علمای قرن پنجم و شارح نهج البلاغه (که به نظر ابن شهر آشوب در معالم العلماء شیعی بوده است) در کتاب ذخایر الحکمة خود آورده است که:

بهترین وقتی از برای دعا آنست که مشتری مقارن کف الخضیب باشد، و رأس و قمر نیز مقارن یا متصل، و طالع وقت باید نوزدهم درجه سرطان؛ یا سیم درجه حمل عاشر باشد، و اگر ۲۹ درجه سرطان طالع باشد؛ پانزدهم درجه حمل عاشر باشد، و اگر سیم درجه اسد طالع باشد؛ ۲۱ درجه حمل عاشر باشد، پس اگر ۱۹ درجه سرطان آغاز دعا کنند تا این وقت تمام شود؛ به غایت محمود باشد، و در وقت مقارنه زهره و زحل از دعا باید احتراز کرد، و بهترین وقتی آن باشد که مشتری و رأس قیران کنند؛ و در عاشر یا ناسع باشند، و مشتری راجع بود تا در سیر با رأس موافق باشد، و زهره در طالع یا رابع و از نحوس ساقط (باشد).



ابوالفتح يحيى بن محمد بن أبي الشكر القرطبي الاندلسي؛ معروف به "الحكيم المغربي" دستيار خواجه نصير الدين طوسي در رصدخانه مراغه، از علماء شيعه و اهل اندلس بوده؛ و صاحب تأليفات كثرى است كه علامه مرحوم آقا بزرگ طهراني او را در كتاب الذريعة إلى تصانيف الشيعة ج ۳ و ج ۲۶ ياد نموده است، برخي از آثار خطي او جزو گنجینه مخطوطات آستان قدس رضوي عاليه است كه آخر آن با اشعاري از شيخ بهايي و بخط و قلم خود شيخ توشيح شده است، برخي از آثار خطي او هم در كتابخانه اميرالمؤمنين عليه السلام نجف اشرف (علامه اميني) نگهداري مي شود، از جمله آثار حكيم مغربي رساله ايست در كيفيت حكم بر مسائل نجومى: "رسالة في كيفية الحكم على المسائل النجومية"؛ در اين رساله؛ ايشان ضمن مباحث نجومى؛ به شرائط فلكى وقت اجابت دعاء هم پرداخته و آنرا اين چنين بيان كرده است:

وقت إجابة الدعاء: أن يكون سعد في الطالع و سعد في الرابع، ليكون ابتداءه و عاقبته مسعوده، و قيل إن كان الأمر للآخرة؛ فيكون القمر في بيت الزهرة؛ متصلا بالمشتري، و لأمر الدنيا بالعكس، و قيل: إن كان الدعاء لطلب العقار؛ فيكون القمر متصلا بزحل من مودة؛ و مقبولا منه؛ و مسعودا في موضعه، و للرئاسة بالشمس كذلك، و للشجاعة و قود العساكر بالمريخ، و للعلوم بعطارد، و لطلب اللذات بالزهرة، و قيل: متى كان القمر مقارنا بالكف الخضيب؛ يدل على إصابة الدعاء لما يتعلق بإصلاح بدن الداعي؛ و إن كان المقارن له هي الشمس؛ يدل على الغناء و الثروة، و إن كان سعد المشتري في وسط السماء؛ يدل على إجابة الدعاء بسرعة، و قيل: إذا كان المشتري مع الرأس في وسط السماء؛ و صاحب الطالع سليما من المناحس؛ و القمر متصلا بالسعود؛ فإنه وقت إجابة الدعاء، و فيما ذكرنا كفاية.

(ترجمه) هنگام اجابت دعاء: اینکه سعدی در طالع؛ و سعدی در بیت رابع باشد؛ تا ابتداء و عاقبت آن (دعاء) مسعود باشد، و گفته شده اگر امر (حاجت در دعاء) برای آخرت است؛ پس قمر در بیت زهره متصل به مشتری باشد و اگر برای امر دنیا است برعکس (قمر در بیت مشتری متصل به زهره) و گفته شده: اگر دعاء برای طلب املاک و زمین است؛ پس قمر متصل به زحل؛ به مودت و مقبول از آن باشد؛ و در موضعش مسعود باشد؛ و اگر دعاء برای طلب ریاست باشد، باید که همین نحو (اتصال) به شمس باشد (قمر متصل به شمس بوده و به مودت و مقبول از آن باشد؛ و در موضعش مسعود باشد)، و (اگر دعاء) برای طلب شجاعت و فرماندهی لشکریان باشد، باید که همین نحو اتصال با مریخ باشد (قمر متصل به مریخ بوده و به مودت و مقبول از آن باشد؛ و در موضعش مسعود باشد)، و (اگر دعاء) برای طلب علوم باشد؛ باید که همین نحو اتصال با عطارد باشد (قمر متصل به عطارد بوده و به مودت و مقبول از آن باشد؛ و در موضعش مسعود باشد)، و برای (اگر خواسته و دعاء او) برای رسیدن اموری که به لذات دنیوی منتهی است، باید که همین نحو اتصال با زهره باشد (قمر متصل به زهره بوده و به مودت و مقبول از آن باشد؛ و در موضعش مسعود باشد)، و گفته شده: وقتی که قمر مقارن به کف الخضیب شود دلالت می کند بر اجابت دعاء به آنچه به اصلاح و سلامتی بدن دعا کننده دارد، و اگر شمس مقارن به او باشد دلالت بر (اجابت دعاء) غنا و ثروت می کند، و اگر کوکب سعد مشتری در وسط السماء باشد دلالت بر سرعت اجابت دعاء دارد، و گفته شده: هرگاه مشتری با رأس در وسط السماء باشد، و کوکب صاحب طالع هم سالم باشد از مناحس؛ و قمر متصل به کواکب سعادت (مشتری یا زهره) باشد؛

پس بدرستی که این زمان وقت اجابت دعاست، و در آنچه (در باب دلائل فلکی استجابت دعا) ذکر کردیم کفایت است.

📖 توضیح: شرح فوق از کلام "حکیم مغربی" شاهد گویای دیگری بر توجه علماء مذهب اهل بیت علیهم السلام به شرایط فلکی استجابت دعا می باشد، با لحاظ این موضوع که حکیم مغربی دستیار خواجه نصیرالدین طوسی بوده؛ و در مباحث مختلف (و لا اقل علم نجوم و تنجیم) زیر نظر خواجه عمل می کرده، و مبانی فکری و علمی ایشان را مد نظر داشته است؛ فلذا نقل و شرح فوق علاوه بر نظر حکیم مغربی؛ می تواند شاهدهی بر نظر خواجه نصیرالدین طوسی در دلائل فلکی استجابت دعا نیز باشد.



حکیم و منجم و دانشمند برجسته عصر صفوی، ملا مظفر بن محمد جناب‌ذی (معروف به ملا مظفر) صاحب کتاب شرح بیست باب در معرفت تقویم، که توسط ملاعبدالعلی بیرجندی (معروف به فاضل بیرجندی) تألیف شده است، این شرح به مدت چند قرن تا عصر اخیر (به همراه کتاب تشریح الافلاک شیخ بهایی و سی فصل خواجه نصیر) جزو کتب درسی علم هیئت و نجوم در حوزه های علمیه تدریس می شده، و فقهاء و عالمان بسیاری این کتاب را تحصیل و تدریس نموده اند؛ و مکرر با طبع سنگی به چاپ رسیده است، ملا مظفر معاصر علامه شیخ بهایی بوده، و شیخ بهایی تقریظ بر کتاب شرح بیست باب ملا مظفر نوشته، شیخ بهایی مؤلف کتاب بیست باب (فاضل بیرجندی) را استاد استاد خود شمرده، و شرح و شارح آن (ملا مظفر) را نیز ثناء فرموده است، ملا مظفر منجمی متبحر بوده، و وقایع مهمی را از نشانه های آسمانی پیش بینی نموده است، از جمله: در سال ۱۰۳۰ (که سال وفات شیخ بهائی است) ملا مظفر از احوال کواکب و ضعف حال مشتری و بودن مریخ در برج عقرب استنباط کرد که یکی از علمای بزرگ زمان فوت کرده و شکستی به مذهب شیعه وارد خواهد شد، و به صراحت آنرا به خبر وفات شیخ بهاء الدین عاملی تعبیر و تطبیق نمود، وقتی پیش بینی را به شاه عباس ارائه کرد؛ او بسیار از این پیش بینی تأسف خورد، ولی ملا مظفر دلداریش داده که در این باب دغدغه به خاطر اشرف نرسد که طالع این دولت قوی است، و چند ماه بعد هم شیخ بهایی وفات فرمود، بعد از منجم معروف ملا جلال یزدی، ملا مظفر، منجم خاص شاه عباس شده بود، پس از ملا مظفر تا چندین نسل؛ ذریت او کار جدشان (منجم مخصوص شاه) را ادامه داده، و در دربار سلاطین صفوی

خدمت می کردند، از ملامظفر آثار متعددی باقی مانده است، از جمله آنها کتاب شرح بیست باب است، در این کتاب برای اختیارات دعا چنین آورده است:

از برای دعا کردن قمر در یکی از خانه‌های مشتری (قوس یا حوت) باید متصل به کوکبی که او در مطلب و مقصد اعتنایی بوده باشد، و بعضی مجاسده قمر با مشتری به عقده رأس؛ و قران عطارد با کف الخضیب؛ در این امر از جمله شرایط گرفته اند؛ و وصول کف الخضیب به دایره نصف النهار در این امر مشهور و معروف است.

که توضیح: نقل فوق شاهد مضاعفی بر توجه علماء مذهب اهل بیت علیهم السلام به شرایط فلکی استجاب دعا می باشد، این فقرات بیانگر نظر بزرگانی چون علامه شیخ بهائی و علامه جناب‌ذی (شارح آثار علامه بیرجندی) و هزاران عالم و فاضلی است که طی قرن‌ها آنها را آموخته و تدریس نموده اند.

که امیر مجدالدین حسینی متخلص به "مجدی"؛ (که علامه مرحوم آقا بزرگ طهرانی او را در کتاب الذریعة إلى تصانیف الشيعة ج ۱۲ یاد کرده؛ و کتاب "زینة المجالس" او را معرفی نموده است)، در همین کتاب؛ جزو هشتم، فصل سوم، در بین دعا‌های مستجاب نقل کرده است:

آورده‌اند که حکمای (الهی) یونان؛ وقتی از خداوند (جل ذکره) حاجت می خواستند که: مشتری در وسط السماء بود با رأس؛ و زهره در طالع، بعضی گویند: محل (زمانی) استجاب دعا در اینست که یکی از سعدین (مشتری و زهره) در طالع بود؛ و دیگری در رابع، و صاحب طالع قوی حال باشد، و هیچ یک از نحسین را با طالع نظری نبُود، و ماه به اتصال و نظری به سعدین؛ مسعود و قوی حال باشد.

علامه کاشفی (حسین بن علی الکاشفی) صاحب کتاب "روضه الشهداء" (اولین مقتل عاشوراء به زبان فارسی) که شهرت ذکر مصائب عاشوراء به "روضه خوانی" در ایران نیز از رواج خواندن مقتل روضه الشهداء در مجالس مقتل خوانی مؤمنین ایران بوده است، و صاحب تفسیر قرآن کریم و کتب نفیسه در نجوم و تنجیم و سایر علوم نیز می باشد؛ در علم تنجیم تألیفات نفیسی به نام "سبعه کاشفیه" دارد که ۷ کتاب در فروعات علم نجوم است و جلد هفتم آن، در موضوع اختیارات نجومی است به نام "لوايح القمر" که معروف به اختیارات کاشفی می باشد و از مشهورترین و مفصلترین کتب اختیارات نجومیست، نسخ بسیاری از آن در طول قرن‌ها کتابت و مورد استفاده علماء فضلاء و مؤمنین بوده است، در این کتاب می آرد: **اوقات دعا کردن: این بابیست بزرگ و بسیار فایده و حکماء الهی را در این باب تصانیف بسیار است، ولی این باب را از سفهاء و جهال قوم پوشیده داشتندی، تا این دعوات در شهوات خویش و محرمات شریعت استعمال نکنند؛** علی الجملة آنچه شروط وی است **سی و هشت** است: **اول** چون حکما دانستندی که مسعودترین کواکب مشتری و زهره اند چنین فرمودند که در وقت دعا کردن باید که یکی از دو سعد (مشتری یا زهره) در (خانه) طالع وقت باشند و دیگر در (خانه) رابع تا ابتدای کار و عاقبت وی به خوبی بُود و بعضی گفته اند سعدی در طالع باید و یکی در عاشر تا کارها به مراد آید و گفته اند سعدی در رابع باید و دیگری در عاشر تا مهمات دینی و دنیوی ساخته گردد و پیش بعضی آن است که یک سعد در رابع باید و یکی در تاسع تا سعادت هر دو سرای حاصل گردد **دویم** بر هر تقدیر این دو سعد باید که مشرق باشند و قوی حال و از نظر نحوس و ضعفهای

دیگر خالی و حقیقت آن است که سعد اکبر مشرقی باید و سعد اصغر مغربی **سیم** باید که قمر قوی حال باشد و متصل به سعدین **چهارم** اگر دعای برای آخرت است و طلب جمعیت خاطر (و آنچه که وقوعش فوری نیست) باید که قمر در خانهای زهره باشد متصل به مشتری و این صورت به تجربه پیوسته (است) **پنجم** اگر دعای برای کارهای دنیا است طلب مال، و یا حاجت فوری (مانند رسیدن به امان و آسودگی) باید که قمر در خانهای مشتری باشد متصل به زهره و این معنی نیز مجربست **ششم** و دعا برای هر مهمی که باشد باید که ماه متصل باشد به کوکب غرض (دلیل بر حاجت) و از وی مقبول بود چنانچه برای طلب ریاست باید که قمر به آفتاب متصل باشد باتصال پسندیده (مودت) و آفتاب نیک حال باشد و برای طلب علم حال عطارد ملاحظه باید نمود و قس علی هذا **هفتم** باید که کوکب الغرض مسعود بود **هشتم** باید که سعود (مشتری و زهره) در خانه غرض (بیت حاجت) جمع باشد **نهم** باید که مشتری با رأس باشد و اگر در عاشر باشند اولی بود **دهم** باید که ماه منصرف بُود از خداوند طالع و متصل باشد به مشتری یا منصرف از مشتری و متصل به خداوند طالع به اتصال محمود یا **زدهم** باید که صاحب وسط السماء ناظر بود به خانه خویش **دوازدهم** باید که خداوند طالع در عاشر بود **سیزدهم** باید که اوتاد از نحوس (زحل و مریخ) سلیم باشند **چهاردهم** باید که صاحب طالع متصل باشد به مشتری و اگر محاسده راس بود بهتر بود **پانزدهم** اگر قمر در اُسد بود و آفتاب در حمل یا آفتاب در اُسد و قمر در حمل بزرگی و رفعت خواستن نیکست **شانزدهم** اگر مشتری در خانه (رفعت) یا شرف خود باشد و قمر بدو پیوندد و از ثور یا میزان؛ وقت اجابت دعاست و بیشتر آن است که فی الحال دعا

مستجاب شود **هفدهم** اگر قمر در حوت بود و زهره در سرطان دعا بغایت مقبول بود علی الخصوص در تأهل و در تزویج **هجدهم** برای طلب مساکن و ضیاع باید که زحل در میزان بود و قمر در دلو **نوزدهم** برای ریاست و استیلا مریخ در حمل باید و قمر در اسد **بیستم** برای طلب علم و کتابت و اشغال دیوانی باید که عطارد در پانزدهم درجه سنبله بود و قمر در پانزدهم درجه سرطان یا در پانزدهم ثور یا عطارد در جوزا باید و قمر بر درجه شرف و آفتاب در حمل یا اسد به تسدیس عطارد **بیست و یکم** برای قضا و اعمال دینی و طلب وزارت باید که قمر متصل باشد بمشتری چنانکه قمر در سرطان باشد و مشتری در ثور یا مشتری در سرطان و قمر در ثور و این مناسب تراست **بیست و دویم** برای طلب ملک و سلطنت باید که قمر متصل باشد به آفتاب به شرط قبول و اگر آفتاب در عاشر بود بهتر باشد **بیست و سیم** برای گم شده آفتاب در نوزده درجه حمل باید و قمر در ۳ درجه ثور **بیست و چهارم** برای جاه و حرمت یافتن آفتاب در حمل باید و ماه در سرطان **بیست و پنجم** برای موافقت و الفت زهره در بیست و هفتم درجه حوت و قمر در ثور یا سرطان **بیست و ششم** بهتر آن است که طالع دعا کردن نوزده درجه سرطان نهند تا ۳ درجه اسد طالع کنند تا بیست و یک درجه حمل در عاشر افتد اولی باشد و باید که از نوزده درجه سرطان آغاز دعا کردن و تضرع و خشوع نمودن نماید تا این وقت بدعا رسد و چون هفت درجه اسد برآید باید قطع دعا کند.

سپس علامه کاشفی اشاره به اقوالی نموده و در ادامه می آورد:

سی و دوم شرط اعظم در این باب ملاحظه کف الخضیب است... **سی و سیم** اگر وقت اجتماع نیرین باشد بدین درجه (درجه کف الخضیب) عظیم وقتی بود

استجابات دعا را و هر کوکب که با آفتاب به هم بدین درجه بود هم وقت دعا کردن باشد علی الخصوص که زهره و عطارد بود و گفته اند زحل و مریخ نشاید **سی و چهارم** اگر عطارد با راس در این موضع مقارن گردد وقتی مرجو باشد مر اجابت را و قران عطارد و مشتری همین حکم دارد **سی و پنجم** اگر راس با این کوکب ثابت مقارن شود هم وقت اجابت دعا بود **سی و ششم** اگر زحل و مشتری با این کوکب قران کنند وقتی که راس در جدی بود بسیار پسندیده است **سی و هفتم** برای دعای زوال خوف و رنج می شاید که زحل مقارن کف الخضیب باشد اما بشرطی که شمس در درجه شرف باشد **سی و هشتم** اگر ماه به خداوند بیت خود پیوندد حاجت زودتر و بهتر برآید و **مخذورات این باب چهار است: اول** نشاید که قمر متصل به اجرام و شعاع نحوس از عداوت (باشد) **دویم** احتراز کند از رجعت و احتراق سعدین مگر رجعت مشتری وقتی که با رأس بود **سیم** حذر کند از مقارنه و مقابله زهره و زحل با کف الخضیب که بس فایده ندهد **چهارم** و نشاید که زحل یا مریخ به آفتاب باشد بر درجه کف الخضیب که خلل آورد.

همچنانکه قبلاً بیان شد؛ هدف ما در این بخش بیان شواهدی از اقوال علمای دین و نیز دانشمندان مذهب اهل بیت علیهم السلام است؛ بر وجود ارتباط میان احوال فلکی کواکب و مواقع استجابات دعاء است، نه بیان تفصیلی احکام نجومی مربوطه، که شرح آن بطور مدوّن و مبسوط در فصل بعدی خواهد آمد.



پژوهشگرده ها و آموزشگرده هاهى بنياد حيات اعلى

علوم معرفت الهى - علوم زبان وحى - علوم كلام وحى

علوم تلاوت كلام وحى - علوم كلام خازنان وحى - علوم فقه آئين الهى

علوم تقويم نجوم تخيم - علوم طب جامع - علوم پاكزيستى

آموزش برتر (اعلى) - علوم برتر (اعلى) - علوم توانمندى بانسروى الهى

علوم عمارت برتر - علوم انساب و تبارشناسى - رسانه هاهى حيات اعلى

طرح و برنامه ريزى پژوهشى و مديريت و اشرف اعلى

دار المعارف الإلهية

۱۴۳۵

www.Aelaa.net

taqwim@aelaa.net

aelaa.net@gmail.com

والحمد لله رب العالمين